

آینه

سرمقاله: الگوی رفتاری آمریکا در قبال ایران «حمید قاسمی فیض‌آباد

به گفته کارشناسان، اوباما در پیگیری خط مذاکره با ایران بیشتر متأثر از الگوی دموکرات‌های دوره کلینتون است. در دوره کلینتون تلاش طیف مدافع مذاکره با ایران در آمریکا برای مصالحه با ایران با ناطق مادلین آلبرایت شروع شد. این خط مصالحه‌جویی به تشکیل نخستین نشست مذاکره موضوعی در باب جنگ افغانستان در سال ۲۰۰۱ (با حضور نمایندگان وزارت خارجه ایران و آمریکا در اجلاس بن) منجر شد. سپس در بحران عراق جولای و آوریل ۲۰۰۷ (به‌صورت مذاکره سفیران ایران و آمریکا در بغداد) و اکتبر ۲۰۰۹ به شکل مذاکره رییس وقت شورای امنیت ملی (مسعید جلیلی) با ویلیام برنز (فرستاده ویژه آمریکا به ژنو) دنبال شد. از همین روست که سر تیم مذاکره هسته‌ای ایران (طریف) تاکید می‌کند که تلاش دیپلماسی ایران باید معطوف به تقویت صدای جناح هوادار مذاکره و تضعیف پایگاه تندروهای ضدایرانی باشد زیرا نتیجه توافق تاریخی ژنو چیزی جز ناکامی بزرگ لایه هیونسنت‌ها نخواهد بود.

تصویر

گفت‌وگو/ ابراهیم اصغرزاد: چرا پیشنهاد دلجویی از گروگان‌های آمریکایی دادم؟

سوال: به‌تازگی در خصوص تسخیر سفارت آمریکا پیشنهاد عذرخواهی از جانب خود برای خانواده گروگان‌ها را ارایه داده‌اید. چرا بعد از این سال‌ها به این نتیجه رسیدید؟ پاسخ: صحبت عذرخواهی یک دولت از یک دولت دیگر نیست بلکه صحبت همدردی با خانواده افرادی است که به هر دلیل دچار آسیب روحی و روانی شده‌اند. نه من نه آنها هیچ یک دارای پست دولتی نیستیم. این کار انسانی در نوع خود ابتکار جدیدی هم نیست چیزی حدود ۱۵، ۱۶ سال پیش حتی در سطح رئیس‌دولت آقای خاتمی در مصاحبه با CNN و خاتم کریستین امپایور نسبت به آلام و رنجی که دیپلمات‌های آمریکایی در طول ۴۴روز گروگانگیری کشیده‌اند ابراز همدردی کرد. خاتم البرایت، وزیر خارجه دولت کلینتون هم نسبت به مداخله سابق آمریکا در امور داخلی ایران و ساقط‌کردن دولت ملی دکتر مصدق عذرخواهی کرد. به هر حال روابط ایران و آمریکا نزد دغدغه‌ها که تا اید گروگان گذشته باشند… رابطه ایران و آمریکا چه بخواهیم و چه نخواهیم گروگان یک اتفاق تاریخی است که در ۲۵پیش ایش رخ داده. تردید تکنید کابوس ۴۴روز گروگانگیری هنوز در خاطره جمعی جامعه آمریکا زنده‌است و بر هر حرفی سایه می‌اندازد… زخم مزمن رابطه ایران و آمریکا همان طور که گفتم با این ملاحظات بهبود نمی‌یابد پیچیده‌تر از این صحبت‌هاست که با عذرخواهی حل شود. ما باید در مساله ایران و آمریکا منطق جدیدی را به کار ببریم منطق اشتغال سفارت آمریکا متعلق به ۲۵سال پیش بوده است، این منطق حالا کارآمدی ندارد. من چند بار گفت‌ام باید با نهادهای مدنی و خانواده دیپلمات‌های آسیب‌دیده و البته نه مأموران امنیتی سسیا که رسماً جاسوس تلقی می‌شدند ابراز همدردی کرد.

روایت

یادداشت: «جنبه‌های مثبت مصوبه پارلمان اروپا برای ایران کدامند؟» احمد نادری

به‌تظر می‌رسد که برداشت‌های مثبت‌انگاره از مصوبه پارلمان اروپا، با مبث‌بنیامی مذاکرات هسته‌ای رابطه مستقیمی دارد… تصور می‌شد که این مصوبه غیرقانونی پارلمان اروپا چون دیپلماسی ما را به جوش آورده و بر آینده مذاکرات و چشم‌انداز دیپلماسی هسته‌ای تاثیر بگذارد. اما ورود تیم مذاکرات به وود بین برای مذاکرات در سطح عالی با اشتون و گروه ۵+۱ بی‌تأثیری در این زمینه را متبلور نمود. در این زمینه، وزیر خارجه کشورمان با اعلام «بی‌اعتباری و بی‌وزنی» مصوبه مذکور، تصریح نموده که پارلمان اتحادیه اروپا طرف مذاکرات هسته‌ای ایران نیست و از این رو، این مصوبه هیچ تأثیری بر مذاکرات هسته‌ای ندارد… لازم بود این مصوبه به عنوان مبنایی برای اعتراض رسمی به عملکرد اتحادیه اروپا و اخلاص در جریان مذاکرات تلقی می‌شد.

کیم‌ان

سرمقاله: «مشاطه‌های شبکه زد»؛ محمد ایمانی

شبکه حزبی و رسانه‌ای زدی که در کشور مافعال است، چالش‌های مهم بر سر راه منافع ملی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاست داخلی و خارجی است… جای شگفتی است… این شبکه شترمرغی به ماجرای عدم صدور روایتد برای سفیر جدید ایران در سازمان ملل که می‌رسد، حتی به نفع آمریکانیز سکوت نمی‌کند بلکه نویسندگان و گویندگان آنها بارها از دولت می‌خواهند آمریکایی‌ها را در ک کند و از معرفی آقای ابوطالبی که پیش از این معاون سیاسی دفتر رییس جمهور و فرد معتمد وی بوده، منصرف شود. آنها که بار نیز به رژیم مستبکر آمریکا اعتراضی نکردند یا دست‌کم توضیح ندادند که چرا در دوره تنش‌زدایی مورد ادعا، دولت میانه‌رو (۸) آمریکا آن روی واقعی خود را نشان می‌دهد؟ اما در مقابل، مصرانه پیگیر دفن ریچارد فرای جاسوس سازمان سیا در اصفهان هستند و شگفت‌آورتر اینکه، هرچه برای جاسوس آمریکایی احترام و اعتبار ناآشته می‌تراشند، کمترین غیرتی نسبت به سفیر دیپورت‌شده کشورمان نشان نمی‌دهند… آنها با روحانی صادق نیستند همچنان که با هاشمی و خاتمی رفیق مساقب نبودند اما تقاطر به حمایت می‌کردند این جماعت روزنامه‌زار و سیاست‌باز، مصیبتی بزرگ برای ملتند همچنان‌که به جای آدرس مقصد، نشانی پرنگاه را به دولت و نوع سیاستمداران نشان می‌دهند. هفت، هشت‌ماه از دوره خدمت دولت سپری شد و دریغ است که باقی مملنه این فرصت بزرگ پایمال شبکه زرد رسانه‌ای و سیاسی شود. کاش دولتمردان محترم به این عارضه خطرناک فراتر از حب و بغض‌های جناحی و حزبی و سیاسی بنگرند این بازنگری عین اعتدال و تدبیر است.

شرق، آتمه شیرافکن: تمام شد… جبهه پایداری» و داد و بیدادهای همیش‌ه‌اش دیروز ختم به سکوت شد. سکوتی درمیانه دعواو. در میانه «های‌وهوی» همیشگی این جبهه سیاسی… سوال ملی صحن دیروز مربوط به نقل‌قولی از وزیر نفت بود؛ نقل‌قولی که حالا انقدر به‌زعم یکی از نمایندگان مهم شده که ساعاتی از جلسه علنی دیروز مجلس را به خود اختصاص دهد. روایت کوتاه بیژن زنگنه از دیدار یکی از وزیران احمدی‌نژاد و گریه وزیر به‌خاطر… اما رسانیی ماجرا را جور دیگری وانمود کرده و چند مساله را با هم یکی می‌کند و صدای خیلی‌ها در مجلس بلند می‌شود. هرچه باشد؛ هیات‌رییسه تصمیم‌اش را گرفته و حالا نمایندگان حسب قوانین داخلی مجلس بر این باورند که شخص علی لاریجانی در بیان این سوال در صحن علنی مجلس مسوول است. خیلی از نمایندگان، این‌پنهان داخلی مجلس را به نشانه اعتراض در دست گرفته‌اند و نمی‌خواهند چنین سوالی از تربیون مجلس پرسیده شود اما کار از کار گذشته و یک‌ساعتی از وقت کاری بهارستان صرف این سوال می‌شود. در سخنان وزیر نفت هم کنایه‌ای آرام به هیات رییس پنهان است: «اینکه آیا سوال از وظایف وزیر است یا خیر، تشخیص آن برعهده هیات‌رییسه مجلس است و بنده تنها خود را موظف به پاسخگویی می‌دانم. حق جناب رسانیی است که در صحن علنی سوال خود را طرح کند اما بنده فکر می‌کنم مسایل زیادی در کشور است که باید برای آن وقت بگذاریم.»در سوال حمید رسانیی از وزیر نفت بیش از صدبار به واژه گریه اشاره شد؛ آن هم گریه رییس‌جمهوری در هیات دولت. عبدالفتاحی؛ نماینده ارومیه به «شرق» می‌گوید: «معلوم نیست این طیف سیاسی از بیان چنین مسایلی دنبال چه اهدافی می‌کند اما هرچه باشد سوال ملی حمید رسانیی و طیف سیاسی متبوعش نشان از دغدغه‌های اصلی این روزهای آنان دارد؛ دغدغه‌هایی که اصلا با مشکلات روز جامعه همگام نیست. آنها هنوز در دوران احمدی‌نژاد سر می‌کنند… به گفته حجتا‌الاسلام باقری‌بنایی؛ نماینده بناب هم «کشور در سال‌های گذشته با نادانم‌کاری‌های دولت گذشته و نمایندگان طرفدار این طیف تا فقرای سقوف رفته و حلال هم حال و روز خوشی ندارد».

حالا درست در روزهایی که رکورد تورمی به یادگار مانده

از دولت مهرورز محمود احمدی‌نژاد دست از سر اقتصاد نیمه‌جان ایران برنمی‌دارد؛ به گفته فتاحی «سوال ملی نماینده نزدیک به «جبهه پایداری» نشان از آن دارد که دغدغه برخی در این کشور معطوف به همان سبک بگم‌بگم‌های محمود احمدی‌نژاد است و برخی گویی در مکتب او به خوبی دست‌پورده شده‌اند؛ «دیروز توی راهروهای بهارستان می‌شد فهمید که «جبهه پایداری» در پایان راه است. طیف سیاسی انگشت‌شماری که از ابتدای روی کار آمدن دولت نهم از هیچ کارشکنی‌ای فروگذار نکرد و همیشه بلندبلند حرف زده و کمتر حرف شنیده. حمید رسانیی دیروز بیژن نامدار زنگنه را به خاطر سخنانش در یک محفل شخصی به بهارستان کشاند. برخی نمایندگان خشمگین بودند که چرا چنین فرصتی در اختیار رسانیی و همفکرانش قرار داده شده تا تربیون مجلس را از این طریق به مسخره بگیرند. تربیون که میلیون‌ها شهروند ایرانی با چرخاندن پیچ رادیوشن می‌توانند شنوای هر لحظه آن باشند… حمید رسانیی آنتور که با صدای بلند و کسی لرزان نطق می‌کند به‌زعم خودش «دنبال چوب لای چرخ گذاشتن دولت نیست»، اما معتقد است که با سخنان زنگنه آبرویی از کشور برده شد و او بدنبال اصلاح این مساله است. حمید رسانیی این سوال را به نیابت از «علی‌اصغر زارعی» و «روح‌الله حسینیان»، نمایندگان تهران بیان می‌کند. رسانیی

سیاست



سید علی

زنگنه

سرانجام سوال «جبهه پایداری» از وزیر نفت در «بهارستان»

هیاهو برای هیچ

مدعی است که زنگنه در جلسه عمومی بعد از اینکه در مورد سند نفت صحبت‌هایی می‌کند، گفته که یک‌شنبه وزرای قبلی پیش او آمدند و مطرح کردند که رفته‌اند امارات پول بگیرند و آقای روحانی هم بعد از رفتن آنها، گریه کرده که چرا باید کار کشور به اینجا برسد که برای امور جاری کشور از شیخ اماراتی چهارقران پول بگیریم. این عزت ما نیست… رسانیی سپس از میان ۵۰۰ تیرتی که به آن استناد می‌کند؛ دقایقی پشت‌سر هم تیرهای برخی روزنامه‌ها را می‌خواند و برخی را هم به خاطر آنچه «حفظ شأن نظام» می‌نامد، سانسور می‌کند.

عضو «جبهه پایداری» لحن حق‌به‌جانبی به خود می‌گیرد و تیتزرها را بلند بلند مرور می‌کند: «رو انداختن دولت قبل به شیخ امارات، گریه روحانی را در آورده»، «کدام وزیر احمدی‌نژاد، روحانی را به گریه انداخت»، «روحانی به‌خاطر پول گرفتن از امارات گریه کرده»، «گریه روحانی به‌خاطر بی‌پولی»، «ماجرایی که وزیر فاش کرد»، «پول گرفتن وزیر از شیخ امارات»، «گریه روحانی برای عزت کشور»، «دلسوزی امیر امارات برای کشور»، «کدام وزیر احمدی‌نژاد چهارقران پول از شیخ امارات گرفت»، «وزیر احمدی‌نژاد گدایی کرده»… پاسخ زنگنه به این بخش از حرف‌های رسانیی این است: «من تنها گفت‌م که آقای روحانی گفتند یکی از وزرای پیشین پیش من آمد و گفت رفتم امارات و مابقی قضایا، من هم نگفتم پول قرضی بوده، پول خودمان را گرفتند اما اینکه آدم برود برای گرفتن پول خود خواهش کند آیا این عزت است؟ پول خودمان را که مال خودمان است بروی خواهش کنیم به ما بدهند؟ این عزت نیست».

برخی هنوز رفتن احمدی‌نژاد را یاد نکرده‌اند

«ما در سال‌های ۹۰ و ۹۱ صادر کننده نفت بودیم و مدیریت آقای زنگنه باعث شده واردکننده بنزین باشیم و این موضوعات گریه ندارد.» این هم از آن جمله‌های عجیب حمید رسانیی بود که برای خیلی از نمایندگان گران آمد.

اسماعیل جلیلی، نماینده اهواز در همین زمینه به «شرق» می‌گوید: «چند ماهی است که دولت محمود احمدی‌نژاد رفته و کلیننه یازدهم سر کار آمده اما برای برخی این تغییر هنوز باورکردنی نیست و با تعجب چنان از وزرای پیشین و رفتار و کردارشان سخن می‌گویند که هر که در این سرزمین زندگی نکرده باشد؛ تصور خواهد کرد ما از چه دوران طلایی به این دوره «رسیده‌ایم» به گفته او؛ «همین آقای رسانیی از آن نمایندگانی است که هنوز با واقعیت تغییر دولت را نپذیرفته

باید محکوم شود.» زنگنه در ادامه، روایتش از حرف‌های آن روزش در مراسم بزرگداشت شهید تندگویان را بیان می‌کند: «در آنجا گفت‌م یک‌روز، پیشش امیر قطر رفتم و او به من گفت من غبطه می‌خورم به آنچه شما در پارس جنوبی دارید. ما دوباره باید کاری کنیم که دیگران به ما غبطه بخورند باید همه‌یام در راه شهید تندگویان جلو برویم و صنعت نفتی داشته باشیم که دیگران حسرت ما را بخورند.»

وزیر نفت همچنین تاکید دارد که «من نگفتم آقای رییس در دولت گریه کرده و… به همین خاطر نمی‌دانم رسانیی اینها را از کجا آورده بحث این است که چرا باید کشور به وضعیتی برسد که ما حسرت بخوریم و مردم ما به ایرانی‌بودنشان افتخار می‌کنند اما آنچه را که در چشم‌انداز است خدایی نکرده نرسیم. من دلم می‌سوزد به حال این کشور، با این همه‌منابع و امکاناتی که داریم باید کشور یک منطقه باشیم نه اینکه پیش دیگران خواهیم کشیم.»زنگنه همچنین حرف‌های روز رای اعتمادش را بار دیگر برای مجلس‌ها می‌رود می‌کند: «بنده روزی که به اینجا آمدم می‌دانستم که به کجا می‌روم، به شما هم عرض کردم به هتل پنج‌ستاره نمی‌فرستید، آدمی که به هتل پنج‌ستاره می‌رود با یک تجهیزات می‌رود، آدمی که به میدان می‌رود با تجهیزات دیگری می‌رود و من با تجهیزات به میدان می‌روم به وزارت نفت رفتم».

ترس رسانیی از رای گیری مجلس

نمایندگان هم از دست رسانیی دالخورند و هم از دست هیات‌رییسه صدای بلند دو-دم در میان حرف‌های رسانیی در مجلس طنین انداخته. آنها نمی‌خواهند بیشتر از این بشنوند زنگنه در مدت حضورش در کلیننه یازدهم از وزرای پرکار بوده و با بسپاری از نمایندگان جلسه داشته و دست‌کم در کمسیون انرژی مجلس به‌جز برخی با او همراهند حرف‌های رسانیی به پایان نرسیده نمایندگان یکی، دوباری به سمت تربیون می‌روند و می‌خواهند از فاصله نزدیک‌تری اعتراض‌شان به رسانیی را نشان دهند و برخی هم بلند داد می‌زنند که «باید رای گیری شود.»طبق روال مجلس اگر نماینده از سخن وزیر قانع نشود، باید نمایندگان رای گیری کنند اما رسانیی به‌خوبی واکنش نمایندگان را فهمیده و به‌خوبی می‌داند که اگر کار به افزایش چشمگیر آرای اشرف غنی نسبت به دور قبل (با آنکه هر دو آنان از قوم پشتون بودند) نشانگر این واقعیت است که مردم هم به کارنامه دولت فعلی رای منفی داده‌اند و هم به گرایش اصلاح‌طلبانه و برونگرای اشرف غنی اقبال نسبی نشان داده‌اند. به باور نویسندگان، تبارخ اینجاست که به همین روند ادامه یابد، نشان‌دهنده ظهور درکی جدید از منافع ملی و معادلات بین‌المللی در بین رای‌دهندگان است. رشد تحول‌طلبی برونگرا به منظور خروج از وضعیت کنونی، اقبال به قدرت‌های حاکم و مداخله‌گر بین‌المللی برای خروج از معادلات ناعادلاّه منطقه‌ای و همسایگانی در انشسان می‌دهد. هر چند برآوردهای مطرح شده نشانگر یک تحول در روند تحولات و نگرش ملت افغانستان است اما این خود برای بازنگران منطقه‌ای و به‌خصوص همسایگان زنگ خطری روده و جای تأمل بسیار دارد.

همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای به‌خوبی می‌دانند آنچه در پیش‌قصر اینجاست، نشان‌دهنده آن افغانستان امروز و در تغییر گرایش مردم نسبت به خود درو می‌کنند. تقویت و رشد چشمگیر آرای کاندیدای برونگرا (هرچند هنوز اکثریت آرا را در دست ندارد) که تکیه امنیتی بر قدرت‌های غربی و امضای بدون قید و شرط پیمان امنیتی با آمریکا را پذیرفته، بدون شک نتیجه دخال‌ت‌های غیرمعمولاته و بعضا تجاوز کارانه دولت‌های همسایه‌ها و کشمشش قدرت‌های منطقه‌ای در امور داخلی افغانستان در نیم‌قرن اخیر است.

در ک تاریخی رای‌دهندگان افغانستان از منافع ملی خود باعث شده که از یک‌سو در فرآیند رای‌گیری و با هجوم به صندوق‌های رای پیام منفی به گروه‌های تروریستی و خشونت‌تلا ده و از سوی دیگر با تقسیم معنادر آرا در بین دو نامزد، خواستار خروج از عداله چندم‌ساله قدرت قومی و الگوی حاکمیت پشتنون شده‌اند. نتایج اولیه آرا همچنان نشان می‌دهد که رای‌دهندگان رضایتی از تجربه حاکمیتی و مدیریتی دولت حاکم نداشته و خواستار طرحی نو در تأمین امنیت، مدیریت و شهروندی و توسعه زیرساخت‌های کشور هستند.

ادامه از صفحه اول

پیام‌های نتایج اولیه انتخابات افغانستان

وی حتی را فراتر گذاشته و ژنرال دوستم که بخش عمده‌ای از ترک‌تباران شمال را نمایندگی می‌کند و از سوی اشرف غنی قبلا به عنوان جنایتکار جنگی متهم شده است را به‌عنوان معاون اول خود برمی‌گزیند تا مرزهای قومی و شمال-جنوب انتخاباتی را به‌نفع خود درهم آمیزد. اما و از سسوی دیگر وابستگی‌های هر دو مولفه «قوم‌گرایسی» و «تحول‌طلبی» (که در ماهیت با هم در تعارض هستند) با عناصری همچون جمعیت، جغرافیا، مذهب و نهائیتا منافع قدرت‌های محلی منطقه‌ای و جهانی به هم درآمیخته است. تحول در مولفه‌های فوق‌الذکر عملا باعث پیچیده‌ترشدن معادلات و قطبی‌ترشدن چهره تحولات درونی افغانستان شده است و تحلیل آن، در ارتباط با نتایج اولیه انتخابات، می‌تواند نه‌تنها ریشه‌های این تغییر را بیان کند بلکه گمانه‌هایی از نتایج محتمل نهایی را نیز آشکار سازد. ترکیب قطب‌بندی جدید را به صورت نسبی می‌توان از نظر جغرافیایی در شمال (غیرپشتون) و جنوب (پشتون) و از نظر تحول‌طلبی به محافظه‌کار (سنتی، مذهبی و درونگرا) و اصلاح‌طلب (مدرن، و برونگرا) مشاهده کرد. این قطب‌بندی جدید نه تنها در صحنه داخلی بلکه در صحنه بین‌المللی باعث سردرگمی فزاینده و پیش‌بینی‌های متفاوتی برای نتیجه انتخابات و استقمال از گزیننه‌های ممکنه شده است.

اگر از تأثیر عنصر قومی در رقابت گروه‌های نژادی که همواره در صحنه سیاسی افغانستان اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده بوده بگذریم، نتایج اولیه را نشان‌دهنده تغییری ماهیتی در آرای مردم افغانستان است. آرای بسیار محدود زلمی ارباب رسول، کاندید بود که ادامه‌دهنده راه حامد کرزای و دولت حاکم بود و افزایش چشمگیر آرای اشرف غنی نسبت به دور قبل (با آنکه هر دو آنان از قوم پشتون بودند) نشانگر این واقعیت است که مردم هم به کارنامه دولت فعلی رای منفی داده‌اند و هم به گرایش اصلاح‌طلبانه و برونگرای اشرف غنی اقبال نسبی نشان داده‌اند. به باور نویسندگان، تبارخ اینجاست که به همین روند ادامه یابد، نشان‌دهنده ظهور درکی جدید از منافع ملی و معادلات بین‌المللی در بین رای‌دهندگان است. رشد تحول‌طلبی برونگرا به منظور خروج از وضعیت کنونی، اقبال به قدرت‌های حاکم و مداخله‌گر بین‌المللی برای خروج از معادلات ناعادلاّه منطقه‌ای و همسایگانی در انشسان می‌دهد. هر چند برآوردهای مطرح شده نشانگر یک تحول در روند تحولات و نگرش ملت افغانستان است اما این خود برای بازنگران منطقه‌ای و به‌خصوص همسایگان زنگ خطری روده و جای تأمل بسیار دارد.

همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای به‌خوبی می‌دانند آنچه در پیش‌قصر اینجاست، نشان‌دهنده آن افغانستان امروز و در تغییر گرایش مردم نسبت به خود درو می‌کنند. تقویت و رشد چشمگیر آرای کاندیدای برونگرا (هرچند هنوز اکثریت آرا را در دست ندارد) که تکیه امنیتی بر قدرت‌های غربی و امضای بدون قید و شرط پیمان امنیتی با آمریکا را پذیرفته، بدون شک نتیجه دخال‌ت‌های غیرمعمولاته و بعضا تجاوز کارانه دولت‌های همسایه‌ها و کشمشش قدرت‌های منطقه‌ای در امور داخلی افغانستان در نیم‌قرن اخیر است.

در ک تاریخی رای‌دهندگان افغانستان از منافع ملی خود باعث شده که از یک‌سو در فرآیند رای‌گیری و با هجوم به صندوق‌های رای پیام منفی به گروه‌های تروریستی و خشونت‌تلا ده و از سوی دیگر با تقسیم معنادر آرا در بین دو نامزد، خواستار خروج از عداله چندم‌ساله قدرت قومی و الگوی حاکمیت پشتنون شده‌اند. نتایج اولیه آرا همچنان نشان می‌دهد که رای‌دهندگان رضایتی از تجربه حاکمیتی و مدیریتی دولت حاکم نداشته و خواستار طرحی نو در تأمین امنیت، مدیریت و شهروندی و توسعه زیرساخت‌های کشور هستند.

بلوچستان و دولت روحانی

در آن بنیادی‌ترین مسایل و راهکارهای آنها خیلی شفاف مطرح شدند و قرار بود که گزارشی از آن تقدیم شخص ریاست محترم جمهوری شود که بنابر اطلاع شده است، واقعیت‌ها و مطالبات مردم استان به تشریح بیان شد.

بنابراین، ریاست محترم جمهور و نیز سیاست‌سازان آن از فضای استان، تصویر واضحی دارند و امیدواریم که طی سفرشان به تصویر ملموس‌تری دست یابند.

نکته نهایی که می‌خواهم اشاره کنم این است که امیدوارم دولت یازدهم از فرصت پیش‌آمده استفاده کند و اجازه ندهد که مطالبات توده‌های مردم به مطالبات گروه‌ها و جریان‌های ذی‌نفوذ محلی یا ملی تقلیل داده شود و رای مردم، نردبانی دیگر برای افزایش قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کسانی شود که در هر شرایطی صدرنشین‌اند و فرصت‌ها را فقط برای ایل‌وتبار خودشان می‌خواهند. تا زمانی که سیاست‌ها اصلاح نشوند با توزیع تعدادی پست یا فرصت اقتصادی به کسانی که از رای و مشارکت مردم سوءاستفاده می‌کنند، نه توسعه‌ای به وجود می‌آید و نه بهبودی در زندگی قاطبه مردم ایجاد می‌شود و در بر همان پاشنه می‌چرخد که تاکنون چرخیده‌ایته با این تفاوت که نظم جهانی مشتاق‌تر از گذشته به‌دنبال سوءاستفاده از مسایل منطقه‌است.

وظایف وزیر است، اظهار کرد: «نمی‌توان از وظایف عمومی وزیر سوال کرد. اگر اینطور

باشد انحرافی در رویه مجلس ایجاد می‌شود.»این حال، هیات‌رییسه آنتور که علی لاریجانی، رییس مجلس اذعان کرد به دلیل موقعیتی که زنگنه دارد، نگران این بود که منع‌شدن از طرح سوال از وزیر به مسایل دیگری تعبیر شود و به همین دلیل در میان اظهارهای قانون اساسی و فریادهای اعتراض تعدادی از نمایندگان مخالف طرح سوال، مجلس وارد بررسی این دستور شد.

می‌کند در مورد وظایف مسوولان از آنها سوال بپرسند باشد یا نه. یکی از مخالفان

طرح سوال، بهروز نعمتی؛ نماینده اسداباد بود که سوال را به «بغض معاویه» تشبیه کرد و از مجلس خواست تا برای طرح سوال از نمایندگان رای‌گیری شود. ایرج ندیمی، دیگر معترض به طرح سوال هم با استناد به همان اصل ۸۸ قانون اساسی، تاکید کرد که سوال باید در حیطه وظایف و اختیارات وزیر باشد؛ مصباحی‌مقدم، رییس کمیسیون برنامه و بودجه هم با طرح این سوال که سوال طرح‌شده در کدام حیطه از